



لزوم اعتقاد به فناوری اطلاعات در راس دولت

اشاره

با شروع هزاره سوم، بسیاری از محققان و اندیشمندان به نقش مهم و بارز فناوری اطلاعات در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اذعان دارند. توسعه فناوری اطلاعات نیز، نیازمند، ایجاد و گسترش زیر ساخت های اقتصادی - سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. یکی از زیر ساخت های اساسی در این حوزه، زیر ساخت حقوقی است. مقررات حقوقی که به تنظیم روابط عمومی متقابل فعالان خصوصی و دولتی این حوزه می پردازد و بایستی افزودن بر قواعد عام جهانی متأثر از روابط فرهنگی - حقوقی هر نظام اجتماعی باشد. در کشور ما نیز وظیفه تنظیم مقررات در حوزه مخابرات بر عهده سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی می باشد. به منظور بررسی عملکرد دولت نهم، گفت و گویی با مهندس مسعود دویز، رئیس پیشین سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی انجام داده ایم که در ادامه می آید:

چيست؟ به نظر شما آیا بر اساس برنامه چهارم توسعه کشور، دولت به تکالیف خود در حوزه تنظیم مقررات عمل کرده است یا خیر؟

در برنامه سوم توسعه کشور دو بند الف و ب ماده ۱۲۴ در خصوص بخش مخابرات و فناوری اطلاعات می باشد که دو موضوع خصوصی سازی و آزادسازی بخش را شامل می شود. این دو ماده نسبت به سایر بندهای برنامه سوم توسعه، به خوبی و با درایت و در نظر گرفتن پیش بینی های لازم نوشته شده که نشان دهنده یک طراحی منسجم است. در بسیاری از برنامه ها لغت ها و کلمه هایی که در متن برنامه نوشته می شود زمانی که به اجرا می رسد از جاهای دیگر سر در می آورد! به نظر من، ماده ۱۲۴ که در خصوص بخش مخابرات و فناوری است طراحی بسیار خوبی داشت. می توان گفت که یکن برنامه آزادسازی تمام بخش های عمده خدمات مخابراتی را تحت پوشش قرار می داد و وفق بلندتری را نسبت به برنامه های پنج ساله دنبال می کرد. یکی از اهداف این برنامه، سازماندهی و تدوین قوانین و مقرراتی بود تا از طریق آن بتوان بخش های متفاوت ارائه خدمات مخابراتی را (به جز بحث زیر ساخت) خصوصی سازی کرد و تلاش شد تا از طریق برون سپاری و ایجاد محدودیت در فرایند توسعه و اپراتوری توسط مخابرات دولتی، زمینه برای واگذاری بخش های بیشتری فراهم گردد. در این مسیر، امور تنظیم مقررات و دآوری به عنوان تنها زمینه حضور جدی دولت در نظر گرفته شده بود. به عبارت دیگر، روح حاکم بر برنامه سوم تفکیک سه حوزه مشخص

استحضار دارید که توسعه دی اس ال نامتقارن از سوی دولت به شرکت مخابرات استان تهران واگذار شده است. با توجه به اینکه در دو سال اخیر در این زمینه، سرمایه گذاری های زیادی از سوی بخش خصوصی انجام گرفته و تاکید سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور نیز بر خصوصی سازی است. به نظر می رسد رقابت یک شرکت دولتی با بخش خصوصی صحیح نیست! دیدگاه شما در این خصوص



است که به این برنامه عمل شود. اعتقادات مجری اهمیت خاصی ندارد! بلکه، مهم این است که کار و برنامه مورد نظر به اجرا در نیامده است! زمانی که تصمیمی بر خلاف سیاست ها و برنامه‌های تعیین شده، اتخاذ می‌گردد یعنی اینکه، تصمیم نادرستی گرفته شده است!

جای تأسف است که در یک دهه گذشته تمام تلاش دستگاه‌های نظارتی و بازرسی کشور در جهت موارد خرد و پراکنده بوده و اداره کشور و تحقق برنامه‌های مصوب به طور کلان مورد توجه و حساسیت قرار نگرفت. به طوری که هیچ کدام از مسئولین به دلیل عدم تحقق اهداف برنامه‌های پیشنهادی و اجرایی خود بازخواست نشدند. تنها موارد بسیار جزئی و فرعی (که حداکثر شامل یک تخلف اداری می‌شد) محور قرار گرفت و تا شروع دولت جدید هم ادامه یافت. مسئولین و مجریان طرح‌ها و برنامه‌ها که دغدغه سرعت در اجرا و پیشرفت سریع پروژه‌ها و ارائه کار را داشتند در مواقعی نیز از ضعف و تناقض قوانین و مقررات به منظور تسریع در امور اجرایی کشور استفاده نموده و خطرات فردی آن بر متحمل شدند و به همین دلیل، مورد پیگیری قرار گرفته اند.

برای پیشبرد یک برنامه باید تمام عناصر و اجزا تشکیل دهنده آن، مانند طراحی و سیاست‌گذاری، ابزارها و منابع به صورت یک کل منسجم ادراک و اداره شوند. مجری تنها یکی از عوامل مهم موفقیت برنامه‌هاست. جای تأسف است که در سوابق اجرایی کشور، برخی از مسئولین و مجریان بر خلاف روح و جهت‌گیری برنامه‌ها، در عمل تنها به دنبال چارچوب‌ها و ذهنیت‌های شخصی و یا گروهی بودند و راهی که طی شده است به راحتی تمام اهداف برنامه را تحت تاثیر قرار داده است.

در خصوص برخی از مواردی که مطرح کردید به طور قطع، نگرانی وجود دارد. مسلم است که در این شرایط تحقق یافتن بخش خصوصی سالم مشکل و حتی غیر ممکن خواهد بود. حتی اگر در ظاهر هم بخش خصوصی ایجاد گردد، تنها شاهد یک بخش بی‌توان و رانت‌خوار و ریزه‌خوار خواهیم بود که دلیلی برای پذیرش خطر و حرکت ندارد! برنامه

در بخش مخابرات بود. حوزه سیاست‌گذاری که در انحصار دولت خواهد بود و از طریق وزیر ارتباطات تنظیم و ابلاغ می‌گردد. حوزه تنظیم مقررات و داوری که از طریق کمیسیون، تنظیم مقررات و اعمال مقررات را بر عهده دارد و در نهایت، حوزه اپراتوری که اپراتور دولتی و خصوصی‌ها را شامل می‌گردد.

موارد اساسی مورد نیاز این طراحی در مواد ۲۸ و ۱۲۴ قانون برنامه سوم ذکر شده و بخش‌های مهم تکمیلی نیز در اسناد ضمیمه برنامه با عنوان راهبردهای اجرایی (که در دولت به تصویب رسیده است) در نظر گرفته شده بود. در این ماده اینگونه طراحی شده بود که بخش خصوصی بتواند در ۸ زمینه اصلی (که در آن بند ذکر شده است) فعالیت خود را آغاز نماید. ارتباطات همراه در صدر آن قرار دارد و سایر خدمات مخابراتی از جمله تلفن ثابت و دیتا را نیز در بر می‌گیرد. بند «الف» در ساختار ماده ۱۲۴ ناظر بر خصوصی سازی و بند «ب» ناظر بر کنترل توسعه شرکت مخابرات است. بر اساس این مدل می‌بایست زمینه‌های جدید ارائه خدمات مخابراتی را به بخش خصوصی واگذار نمود و شرکت مخابرات نیز از طریق برون‌سپاری فعالیت‌ها و برنامه‌های توسعه به سمت کوچک شدن برود. به عبارت دیگر، رشد و توسعه خدمات مخابراتی تنها با تحقق برون‌سپاری ممکن می‌گردد. شایان ذکر است که در این مسیر، فضایی برای رقابت ارائه‌کنندگان خدمات مخابراتی با بخش دولتی (که به صورت انحصاری تمامی زیربنایها را در دست دارد) در نظر گرفته نشده و ارائه خدمات به جامعه در پناه همکاری، تقسیم مسئولیت و محدوده کار این دو بخش در نظر گرفته شده است. به طوری که در آن زمان، هدف از تمام تلاش‌های صورت گرفته به منظور فهم ضرورت این همکاری به همکاران داخل در شرکت مخابرات بود.

درست است که مجریان امور تغییر کرده‌اند و افراد دیگری کار را به عهده گرفته‌اند اما، حال سوال این است که برنامه چهارم توسعه که به قوت خود باقی است؟ تاکید برنامه چهارم بر خصوصی سازی است و به نظر می‌رسد لازم

یکی از نقطه ضعف‌های بخش خصوصی کشور عملکرد غیر حرفه‌ای آن است

وضعیت موجود کشور برای توسعه پایدار مناسب نیست و در چنین شرایطی، تمام طراحی‌های توسعه و تلاش‌های مربوط آسیب خواهد دید

چهارم توسعه در بخش مخابرات در ادامه برنامه سوم و با دقتی بیشتر از قبل تنظیم شده است. اما به عنوان مثال، اعمال اختیارات قانونی توسط نهاد رگولاتوری در دوران متفاوت می‌تواند علائم متفاوت و سرگردان کننده‌ای را به جامعه و سرمایه‌گذاران منتقل کند. وقایعی که منجر به اعمال اختیارات قانونی بانک مرکزی (به عنوان رگولاتور پولی و مالی کشور) در مورد بانک پارسیان شد فارغ از درست و یا حقوقی بودن آن، باعث فرستادن علائم منفی به جامعه شد و در سرمایه‌گذاران بانک‌های خصوصی حساسیت ایجاد کرد. در بخش مخابرات جهت گیری رگولاتوری به واسطه انحصارات قدیمی اپراتورهای دولتی و تعامل زیاد اپراتورها با بخش زیرساخت و یا مراکز مخابراتی در جلب سرمایه و موفقیت سرمایه‌گذاری‌های قبلی نقشی بسیار تعیین کننده دارد.

عده ای معتقد هستند که با توجه به عدم حضور یک بخش خصوصی قوی و قدرتمند، ایجاد یک کنسرسیوم که مرکب از دولت، نهادهای عمومی و یا به نوعی بخش خصوصی باشد، اجتناب ناپذیر است. یعنی نمی‌توان بدون وجود نهادهایی مانند صنایع دفاع و یا بنیاد و ... اپراتور دوم را ایجاد کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا راه حل‌های دیگری نیز وجود دارد؟

درک درست و واقع‌بینانه از شرایط در اجرا و موفقیت برنامه‌های توسعه نقشی تعیین کننده دارد. بیان و ذکر ایده‌ها و آرمان‌های ذهنی در برنامه‌های کوتاه مدت، بدون درک و فهم درستی از شرایط موجود تنها باعث اتلاف منابع می‌شود. اگر در طراحی برنامه‌ها و تعیین اهداف در بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی واقع‌بینی وجود نداشته باشد، مسلم است که تحقق یافتن اهداف مورد نظر به راحتی میسر نخواهد شد. به عنوان مثال، فرض کنید تصمیم گرفته شود که در کشور تحصیل برای عموم تا مقطع کارشناسی اجباری و به صورت رایگان باشد. مسلم است که قدرت و امکانات کافی برای فراهم نمودن چنین شرایطی وجود ندارد. تفاوت‌های میان جوامع عقب

مانده، در حال رشد و پیشرفته فارغ از توانمندی‌های فناوری و ثروت در درک درست از موقعیت و شرایط و پرهیز از شعارهای سطحی و دور از دسترس است. به نظر من، چارچوب‌هایی که در اجرای برنامه سوم در نظر گرفته شد، واقع‌بینانه بود. به عنوان مثال، در ترکیب سهامداران بهره‌بردار دوم تلفن همراه اجازه حضور حداکثر ۳۰ درصد سهام از بخش غیر خصوصی، مشخص نمودن حد و حدود بخش‌هایی مانند صنایع دفاع بود که شما به آن اشاره نمودید. به نظر من، مسأله مدیریت یکی از مهمترین چالش‌های کشور است که در نهاد قانون‌گذاری و دستگاه اجرایی کشور نسبت به آن توجه کافی وجود نداشته است. حال اگر این مسأله مورد توجه قرار گیرد، به طور قطع در پیشبرد فرایند توسعه، رفع تبعیض طبقاتی و افزایش رشد اشتغال موثر خواهد بود. سرمایه، منابع مالی و انسانی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. (سرمایه متعلق به بخش خصوصی باشد یا آن که یک کنسرسیوم مختلط خصوصی و دولتی باشد، تفاوتی ندارد!) زمانی که برای اجرا و انجام طرح‌های بزرگ ملی مطالعات و بررسی‌های حرفه‌ای صورت گیرد و مدیریت نیز بر مبنای اصول باشد، منابع مالی نیز دنبال آن تامین خواهد شد.

گفته می‌شود اینها به مثابه عصایی ست که بخش خصوصی کمک خواهد کرد تا راه رفتن را بیاموزد! و بدون آن حرکت این بخش ممکن نخواهد بود!

در دو دهه گذشته، تجربه کشورهای متعددی وجود دارد که در آغاز برنامه‌های توسعه از نظر ثروت‌های خدادادی و شاخص‌های توسعه نسبت به ایران در وضعیت نامناسب تری قرار داشتند اما، با درک درست از وضعیت و مشکلات، برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و مراجعه به دانش، تخصص و ظرفیت‌های حرفه‌ای بین‌المللی توانستند حرکت به سمت توسعه اقتصادی و اجتماعی را با شتاب حیرت‌آوری ادامه داده و به اقتصادی دست یابند که موفق و پویاست. این امکان هست که در ایران نیز چنین اتفاقی بیفتد. دلایلی که به منظور بیان ناتوانی‌های بخش خصوصی

رشد و توسعه خدمات مخابراتی تنها با تحقق برون‌سپاری ممکن می‌گردد

**برای پیشبرد یک برنامه باید
تمام عناصر و اجزا تشکیل
دهنده آن، مانند طراحی و
سیاست‌گذاری، ابزارها و منابع
به صورت یک کل منسجم
ادراک و اداره شوند**



دارندگان پروانه را به روشنی بیان گردد. پروانه باید بر اساس یک مدل تجاری روشن (از نظر درآمد هزینه) طراحی شود و تمام عوارض و حقوق دولتی (تعرفه‌ها) را نیز به روشنی برای دارنده پروانه و شرکت‌های مخابرات دولتی (که می‌بایست امکانات زیرساخت را فراهم کنند) روشن نماید. همچنین، در تمام فعالیت‌ها فرصت رقابت را در نظر گرفته و نسبت به روال‌های غیرعادلانه آشنایی داشته باشد و برای جلوگیری از آن، ملاحظات لازم را اعمال نماید. مدلی که بر اساس آن، پروانه تنظیم می‌گردد باید متضمن ایجاد ظرفیت در کشور باشد و مجاز است در صورت عدم تامین ظرفیت، جرائمی را برای متقاضیان وضع و وصول نماید.

پروانه محل انتشار بخشنامه دولتی و یا دستورالعمل داخلی شرکت‌های دولتی نیست و باید از قبل نسبت به تاثیر یک طرفه بخشنامه‌های شرکت‌های دولتی بر مدل درآمد هزینه پروانه، تمهیدات لازم را معمول نموده باشد. به نظر می‌رسد این آیین‌نامه بیشتر یک بیانیه است.

برای مثال در پروانه دوم تلفن همراه کشور که بالغ بر حدود ۲۰۰ صفحه است جزئیات بسیاری مشخص شده است با این هدف که کشور به ظرفیت‌های مشخصی دسترسی پیدا نماید. صدور پروانه برای ایجاد اپراتور جدید با فرض استفاده از امکانات رومینگ اپراتور اول مسلماً بسیار ساده و شاید در قالب پروانه‌های استاندارد قابل عمل باشد.

پروانه‌های ارائه دهندگان خدمات اینترنت از نوع اخیر است و می‌تواند در قالب پروانه استاندارد عمومی، بدون صدور پروانه موردی و بدون تفکیک‌های جزئی فنی تنها با اعلام یک طرفه متقاضی (ثبت نام) مبنی بر قبول شرایط پروانه و پرداخت حق امتیاز عمل شده و طی برنامه مشخص مورد بازرسی و کنترل تعهدات قرار گیرد.

گفته می‌شود که در خصوص واگذاری اینترنت، لازم است که در ابتدا دولت آن را وارد کند و سپس، توزیع نماید. برخی بر این اعتقاد هستند که اینترنت نیز یک سرویس

عنوان می‌شود، اظهار نظرهایی غیرحرفه‌ای است که بدون آشنایی با مناسبات جهانی و تحت تاثیر منافع و مصلحت‌های فردی و گروهی مطرح می‌شود. البته، توجه به منافع و حقوق قانونی تمام گروه‌ها از جمله سرمایه‌گذاران، پدیدآورندگان فناوری، کارگران، فروشندگان، واسطه‌ها و ... از مواردی است که می‌بایست در توسعه پایدار کشور مدنظر قرار گیرد. اما، مسلم است که امتیازات، شرایط نابرابر رقابت، رانت و انحصار خواری مانند موریانه اساس توسعه و رشد را تخریب خواهد کرد. واقعیت این است که بخش خصوصی در ایران از قوام خاصی برخوردار نیست. علاوه بر ریشه‌های تاریخی، این مسأله به دلیل علانمی است که خواسته و یا ناخواسته از سوی حاکمیت صادر می‌شود. حاکمیت به طور صادقانه، جستجو و رفع عوامل محرومیت و فقر زدایی را دنبال می‌نمود اما، از آنجا که با اسباب و لوازم آن آشنایی چندانی نداشت و همواره بحث سرمایه‌گذاری، ثروت اندوزی و یا هزینه منابع سرمایه‌ای و رباخواری مترداف تلقی شده اند در نتیجه، هرگونه سرمایه‌گذاری را پرخطر و افق‌های آن را تاریک نموده است.

جای تأسف است که بخش خصوصی نیز با چنین نگاه و برداشت‌هایی سازگار شده و تنها منافع کوتاه مدت بدون خطر را دنبال می‌کند تا شاید از محل فروش پروانه فعالیت بتواند خود را از شرایط موجود خارج نماید.

پیش از این، آیین‌نامه ای وجود داشت که بر اساس آن ISP و ICP ها تعریف می‌شدند و فعالیت می‌کردند. در حال حاضر، آیین‌نامه جدیدی طرح شده است که منتقدان و تحلیل‌گران موضوع معتقد هستند این آیین‌نامه با خصوصی سازی مغایرت دارد. نظر شما چیست؟

به نظر من، این آیین‌نامه با آنچه که به عنوان پروانه از قبل مورد نظر بود فاصله زیادی دارد. لازم است که در پروانه بسیاری از مسائل مربوط به تنظیم روابط دارندگان پروانه با یکدیگر، با اپراتورهای دولتی و همچنین روابط و حقوق متقابل مصرف‌کنندگان و

در بخش مخابرات جهت‌گیری رگولاتوری به واسطه انحصارات قدیمی اپراتورهای دولتی و تعامل زیاد اپراتورها با بخش زیرساخت و یا مراکز مخابراتی در جلب سرمایه و موفقیت سرمایه‌گذاری‌های قبلی نقشی بسیار تعیین‌کننده دارد

مسأله مدیریت یکی از مهمترین چالش‌های کشور است که در نهاد قانون‌گذاری و دستگاه اجرایی کشور نسبت به آن توجه کافی وجود نداشته است

است. به این معنی که می تواند توسط عده ای خریداری شود و در مرز به دولت تحویل داده شود. به نظر شما، این ایده عملی خواهد بود؟

بله، به نظر می رسد بهترین راهکار توسعه اینترنت همین باشد. لازم است که شرکت ها بتوانند ظرفیت های مناسبی را روی فیبر نوری (و یا با استفاده از ارتباطات ماهواره ای برای بالابردن پایداری شبکه خود) خریداری نموده و در مبادی مورد تایید دولت، مبادله و به فروش برسانند و بحث کنترل و فیلترینگ نیز با هر کیفیتی که مورد نظر است قابل اعمال می باشد. از آنجا که این روش متضمن رقابت است در نهایت منجر به ارائه خدمات با کیفیت و قیمت بهتر خواهد شد و ملاحظات حاکمیتی نیز در آن رعایت خواهد گردید.

تاکید عمده برنامه چهارم توسعه کشور بر روی توسعه IT است. اما، با وجود اینکه بیشتر از یک سال و شش ماه از آغاز این برنامه می گذرد، جهت گیری وزارت ICT تاکنون بر روی مقوله ارتباطات متمرکز بوده و IT آنچنان که لازم بوده، مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می رسد که وزارت ICT تنها وزارتخانه موبایل است و یا ارتباطات! و هنوز، فناوری اطلاعات در آن رسوخ پیدا نکرده است! نظر شما در این خصوص چیست؟



من نیز با نظر شما موافقم. در این مدت دست کم نمود بیرونی آن دیده نشده است. البته، پیش از

این نیز وزارت ارتباطات نقش فعالی در عرصه فناوری اطلاعات نداشت. زمانی که تصمیم گرفته شد بحث فناوری اطلاعات به طور متمرکز در یک وزارتخانه دنبال شود به نظر می رسد که ایجاد یک تشکیلات مستقل زیر نظر رئیس جمهور بتواند از کارآیی و موقعیت بهتری برخوردار باشد. البته، مهم این است که در رأس دستگاه اجرایی کشور نسبت به توسعه فناوری اطلاعات، ذهنیت و اعتقاد و باور وجود داشته باشد. در غیر این صورت اشکال تشکیلاتی و تبعیت وزارتخانه ای نمی تواند به تنهایی چاره ساز توسعه این بخش باشد. نمونه های زیادی از کشورهای موفق وجود دارد که از طریق توسعه فناوری اطلاعات پیشرفت های چشمگیری داشته اند و تنها لازم است که رئیس دولت متوجه اهمیت آن باشد. زیرا در غیر این صورت، تمرکز موضوع در وزارتخانه ای خاص و یا ریاست جمهوری فایده ای نخواهد داشت و این ایده در نهایت، به شکست منجر خواهد شد.

یکی دیگر از اقداماتی که صورت گرفته استخدا ۳۲۰۰ نفر نیروی جدید در مخابرات شده است. این مجوز از سوی هیأت دولت صادر شده است. به نظر شما، چنین اقدامی در راستای برنامه چهارم توسعه کشور است؟

من از این موضوع اطلاعی ندارم و نمی دانم انگیزه انجام آن چیست؟ فکر می کنم می بایست در بخش زیرساخت سرمایه گذاری بیشتری صورت گیرد حتی در خصوص نیروی انسانی. زیرا در بخش نگهداری تجهیزات و به خصوص فیبر نوری مشکلات عمده ای وجود دارد. به عنوان مثال در مناطقی که آمار قطعی فیبر نوری زیاد است، مخابرات ناگزیر است که افرادی را همراه با موتور یا ماشین به منظور مراقبت فیزیکی در طول این خطوط استخدام نماید تا بلدوزر وزارت راه به اشتباه! خطوط فیبر نوری کشور را قطع نکند. اما من از این مطلبی که شما عنوان می کنید، اطلاعی ندارم. پیش از این نیز در بخش مخابرات نیروی زیادی وجود داشت و قرار بر این بود به منظور نزدیک شدن به استانداردهای بین المللی تعدادی از آنها از بدنه شرکت جدا شوند که این اتفاق افتاد و موفقیت هایی

دلایلی که به منظور بیان ناتوانی های بخش خصوصی عنوان می شود، اظهار نظرهایی غیر حرفه ای است که بدون آشنایی با مناسبات جهانی و تحت تاثیر منافع و مصلحت های فردی و گروهی مطرح می شود

بسیاری از شرکت های خصوصی به صورت خانوادگی مدیریت می شوند که این امر یعنی مخلوط بودن مالکیت و مدیریت که باعث فروپاشی شرکت های موفق کشور شده است



نیز حاصل آمد.

به نظر من نباید اجازه داد که در التهاب و اضطراب تصمیم‌گیری و عمل شود. توسعه به آرامش نیاز دارد. تنش‌ها و فشارهای موجود در زمینه‌های مالی، سیاسی باعث از بین رفتن فرصت‌ها و امکانات توسعه برای ما می‌شود.

شما چه توصیه‌ای برای بخش خصوصی در این فضا دارید؟

مدیر شرکت جی ئی یکی از موفق‌ترین مدیران در دو دهه گذشته بوده که اعتقاد ساده و مشهوری دارد. او می‌گوید: «زمانی که شرایط سخت شده و نمی‌توانی مسیر را پیدا کنی، کار نکن! اگر کار می‌کنی، درست کار کن!» گاهی، شرایط باعث می‌شود که امکان فعالیت سلب می‌شود. پس بهتر این است که فرصت را صرف خودسازی کرد. در سال‌های گذشته، بخش خصوصی کشور اشتباهات بزرگی را مرتکب شد که لازم است آنها را مورد توجه قرار داده و مطالعه و بررسی نماید. به عنوان مثال، فرصت‌هایی در اختیار بخش خصوصی بود که از آنها به طور شایسته استفاده نکرد. یکی از نقطه ضعف‌های بخش خصوصی کشور عملکرد غیرحرفه‌ای آن است. عدم توجه به تدوین مدل و طرح تجاری مطالعه شده، عدم سرمایه‌گذاری برای تولید آن، عدم توجه به دانش و توان مشاوران بین‌المللی و بی‌اعتنایی به کسب استانداردهای تخصصی و حرفه‌ای در محدود کار خود و بی‌علاقگی نسبت به درگیری برون مرزی از جمله عوامل مهمی است که حتی، با در اولویت قرار گرفتن توسعه فنآوری اطلاعات در دولت، همچنان مانع از آن خواهند بود که بخش خصوصی به ابزاری برای ایجاد ظرفیت تخصصی کشور تبدیل گردد.

یکی دیگر از مشکلات اساسی در این حوزه، مسأله مدیریت است. بسیاری از شرکت‌های خصوصی به صورت خانوادگی مدیریت می‌شوند که این امر یعنی مخلوط بودن مالکیت و مدیریت که باعث فروپاشی شرکت‌های موفق کشور شده است. برای دستیابی به موفقیت، لازم است که مدیریت را از مالکیت جدا نمود و هر یک در چارچوب خود تخصصی و حرفه‌ای عمل کنند.

در بحث قانون برنامه چهارم یکی از تکالیفی که دولت دارد تقویت نگاه‌های بخش خصوصی است. و برای آن همه دولت مکلف است از طریق تشکیل کنسرسیوم و یا نظایر آن، ساز و کارهای تقویت را ایجاد کند. در این یک سال و نیم که از برنامه چهارم گذشته آیا شما جلوه‌هایی از این توجه را در سطح تشکیل کنسرسیوم‌های جدید مشاهده نموده‌اید و یا نه فکر می‌کنید که متوقف مانده است؟

من نمونه تحقق یافته‌ای را به یاد نمی‌آورم. البته، در بخش‌های دیگر (غیر از ارتباطات و فنآوری اطلاعات) با تزریق پول (یا وعده تزریق پول) حرکت‌هایی آغاز شد. اما در عمل، به دلیل عدم تغییر ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات بانکی امکان بروز یک اتفاق خاص و انجام فعالیت محال به نظر می‌رسد. با تغییر در مدیریت و بانک‌ها نیز تحولی به وجود نمی‌آید و تنها می‌بایست دستورالعمل‌های اجرایی تصحیح شوند. تصحیح این دستورالعمل نیز به مدت زمان زیادی نیاز دارد. به طور قطع، اگر تصمیم گرفته شود که در مخابرات نیز این کار صورت بگیرد به شکست منجر خواهد شد. به نظر می‌رسد سیاست‌های موجود مانع از شکل‌گیری ظرفیت مورد نظر می‌گردد و اغلب شرکت‌ها تمایل دارند که در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کنند.

با این نگاه شما فکر می‌کنید که بحث رقابت پذیری و جلوگیری از انحصار کماکان در محاق می‌ماند.

این موضوع، شرایط دیگری را می‌طلبد. وضعیت موجود کشور برای توسعه پایدار مناسب نیست و در چنین شرایطی، تمام طراحی‌های توسعه و تلاش‌های مربوط آسیب خواهد دید. تنها تامین منابع مالی نیست که اهمیت دارد. به عنوان مثال، می‌بایست روابط بین المللی کشور نیز اصلاح شود و با آرامش تصمیم‌گیری شود. در حال حاضر، مشخص نیست که ایران تحریم شده است یا نه؟ اصلاً تحریم می‌شود یا نمی‌شود؟

لازم است که در پروانه بسیاری از مسائل مربوط به تنظیم روابط دارندگان پروانه با یکدیگر، با اپراتورهای دولتی و همچنین روابط و حقوق متقابل مصرف‌کنندگان و دارندگان پروانه را به روشنی بیان گردد

مهم این است که در رأس دستگاه اجرایی کشور نسبت به توسعه فنآوری اطلاعات، ذهنیت و اعتقاد و باور وجود داشته باشد